

تحلیلی بر گرایش‌ها و رویکردهای زنانه در ادبیات فارسی و عربی

فائزه احمدی*

عبدالحسین فرزاد**

چکیده

گرایش‌های زنانه در حوزه‌های گوناگون اجتماعی، فلسفی، و ادبی از پدیده‌های دنیای مدرن، به‌ویژه پس از انقلاب صنعتی، به‌شمار می‌آید. این رویکرد بعدها، بر اثر تسهیل و گسترش ارتباطات بین فرهنگی، از دنیای غرب به جهان عرب‌زبان و ایران نیز سرایت کرد و البته تأثیرات متفاوتی برجای نهاد.

تحقیق حاضر بر این فرض استوار است که اندیشه‌های زنانه در هر دو حوزه فرهنگی و ادبی ویژگی‌ها و تمایلات مشترکی دارد. همچنین، اصلی‌ترین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جنبش زنان ایران و عرب، برای دست‌یافتن به وضعیتی مطلوب در خانواده و جامعه، هم‌زمان شکل گرفته است.

این مقاله کاوشی است در نحوه ورود این اندیشه به جامعه ایران و عرب که در آن تلاش شده است انعکاس رویکردهای زنانه در آثار ادبی این دو حوزه زبانی و فرهنگی بررسی شود. برای دست‌یابی به این نتیجه، نخست تاریخچه پیدایش و نضج تفکر زنانه در اروپا و سپس در دنیای عرب و ایران بررسی شده است. سپس با جست‌وجو در آثار ادبی این دو فرهنگ، به‌ویژه داستان و رمان و شعرهای عربی و فارسی در قرن اخیر، مؤلفه‌های زنانه را در آن‌ها یافته و تحلیل و بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: مدرنیته، گرایش‌های زنانه، ادبیات عرب، ادبیات فارسی.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ایران (نویسنده مسئول)

f.ahmadi1356@yahoo.com

** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی a_h_farzad@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱/۲۴

۱. مقدمه

بی‌شک مسئله زنان و جدی‌گرفتن حضور آنان، به‌منزله نیمی از بشریت، در بسیاری از موارد می‌تواند راه‌گشای مشکلات فراوان کنونی بشر باشد.

با وجود تغییرات مثبتی که در جنبش‌های زنان در عرصه‌های گوناگون فرهنگی و اجتماعی شده است، همچنان بسیاری پیامدهای منفی در این‌باره مشاهده می‌شود.

تلاش زنان برای دستیابی به حقوق و شخصیتی برابر با مردان گاهی سبب ازبین‌رفتن زنانگی و غریزه مادری آنان و همچنین سبب پای‌بندنبودن به برخی از اصول اجتماعی، دینی، و فرهنگی شده است.

پرسش اصلی در این مقاله این است که آیا شخصیت یا خود شکاف‌یافته زنان، با تن زنانه و ذهنی مردانه، بهای نوعی آگاهی سطحی از شناخت جدید و زنانگی نیست؟ و آیا نظام سرمایه‌داری، که از یک سو به زنان هویت شخصی می‌بخشد، از هزار سوی دیگر هویت و احساس زنانه آنان را خدشه‌دار نمی‌سازد؟

در پایان قرن هجدهم، با وقوع انقلاب کبیر فرانسه و اعلامیه حقوق بشر، ساختمان‌های اندیشگی و اجتماعی کهن در هم فروریخت و مرتبه‌های اجتماعی، که در آن هر انسان جای نابرابر یا فرادست و فرودست خود را داشت، متزلزل شد.

اولین جنبش‌ها در میان مردم عرب، برای پررنگ‌ساختن حضور زنان و نجات آن‌ها «از زیر دندان خلیفه‌ها»، در مصر آغاز شد (قبانی^۱، ۱۳۶۳: ۴۷). متفکر معروف عرب، احمد فارس الشدیاق، که در ۱۸۵۵ م کتاب *الساق علی الساق* را نوشت، از پیش‌روان این نهضت است. رفاعة الطنطاوی نیز با انتشار کتاب *المرشح الامین فی تعلیم البنات و البنین*، در ۱۸۷۲ م، راه الشدیاق را ادامه داد.

گویی پیش‌گامان نهضت بیداری عرب به‌خوبی دریافته بودند که مسئله زن از مسائل اساسی در مبارزه علیه استعمار و عقب‌ماندگی اجتماعی است. در میان این مبارزان، سیدجمال‌الدین اسدآبادی و شاگردانش، چون محمد عبده، نیز جایگاه ویژه‌ای دارند. در همین سال‌ها ایران نیز، با وقوع انقلاب مشروطه، پذیرای ندای آزادی زنان شد. مردان روشن‌فکر و ترقی‌خواهی چون علامه دهخدا، بهار، یوسف اعتصام‌الملک، و ایرج میرزا خواهان آزادی زنان بودند و آنان را به سوادآموزی و کسب علم ترغیب می‌کردند.

۲. گذری بر رنسانس در اروپا

محققان رنسانس (renaissance) را با نوزایی برابر می‌دانند. نوزایی هم‌زمان با شروع جنبش انسان‌گرایی (humanism) مطرح می‌شود. در طی سه قرن، رنسانس، که در ۱۳۰۰ م از ایتالیا آغاز شد، همه اروپا را فراگرفت. در این دوران کوتاه تاریخی، رخدادهای متعددی، فعالیت‌های وسیع، و تغییرات بنیادینی به‌وقوع پیوست؛ چنان‌که جهان امروز ما دست‌پرورده همین فعالیت‌هاست. از رخدادهای مهم در دوران رنسانس خلاقیت در هنر، یادگیری علم، و ارائه روش‌های جدید در اداره کشور بود. در این‌باره رابرت ارگانگ (R. Ergang) می‌نویسد: «دوره رنسانس یکی از خلاق‌ترین دوران‌های تاریخ است ... رنسانس به تلاش عقلانی جهت تازه‌ای بخشید ... تا آن را به سوی تمدن امروزی هدایت کند» (کوریک، ۱۳۸۰: ۱۱).

۳. انقلاب صنعتی و تأثیر آن در ساختار زندگی در اروپا

حدود ۲۰۰ سال پیش، انقلابی بنیادین، که برای مردم آن زمان ناشناخته بود، در جهان روی داد که در نهایت سبب پدیدآمدن جهان فعلی شد. این دگرگونی، که در آغاز به‌نظر می‌رسد سال‌ها به‌طول انجامیده باشد، نخست در انگلستان و سپس در بخش‌هایی از اروپا و امریکای شمالی پدید آمد و جهت فعالیت‌های کشاورزی را به صنعتی تغییر داد و امکانات نامحدودی برای افزایش توان تولید و بهره‌وری از کار انسانی فراهم آورد.

۱.۳ بورژوازی

سوداگران و صنعت‌گران رفته‌رفته طبقه بورژوازی را در شهرها تشکیل دادند. طبقه‌ای که اساس قدرت آن، برخلاف فئودالیت، نه بر زمین بلکه بر علم، صنعت، و تجارت متکی بود. از اهداف آنان، اسلوب اقتصادی متحرک و لغو امتیازات فئودال‌ها و برقراری نظامی اجتماعی بود که تأمین منافع گروه‌های وسیع‌تری را شامل می‌شد؛ به همین سبب با منافع فئودالیت، که حافظ وضع موجود بود، مخالف بود.

۲.۳ دموکراسی

در بسیاری موارد می‌توان واژه «دموکراسی» را مترادف «آزادی» و «حقوق انتخاب آزاد» و

«زندگی آزاد» دانست. البته این تعریف کامل و جامع نیست، اما دموکراسی هم مانند بورژوازی میوه سال‌ها تلاش در جهان است. در سایه انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب صنعتی، بساط کهن در اروپا در هم پیچید و فریاد آزادی، دموکراسی، و مساوات‌طلبی سرتاسر قاره اروپا را فراگرفت. با اختراع ماشین، دیگر تفاوتی آن‌چنان از نظر جسمی در میان مردم یک جامعه دیده نمی‌شد. در این دوران، مهم‌ترین اتفاق دادن حق رأی به زنان انگلیسی بود. در امریکا و آلمان و در اکثر کشورهای کوچک‌تر اروپا نیز زنان حق شرکت در انتخابات عمومی را داشتند.

۴. انقلاب مشروطه در ایران

ادبیات هر کشوری را می‌توان در رابطه مستقیم با فرهنگ، اخلاق، سیاست، اقتصاد، و حتی آرزوهای تک‌تک افراد آن جامعه دانست.

از نتایج مهم انقلاب مشروطه، توجه به حقوق زنان است که خود از رهاوردهای نواندیشی در دوران معاصر بود. در این دوران، برای دستیابی به مشروطه، زنان نیز پایه‌پای مردان ایران برای گرفتن حق خود مبارزه کردند. تأسیس مدارس دخترانه، فعالیت زنان در روزنامه‌نگاری و کارهای تألیفی، حضور آنان در صحنه‌های اعتصاب، و دیگر فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی حکایت از آن دارد که زنان نیز در مشروطه سهم بسیاری داشتند.

در تاریخ مشروطه، تأسیس مدارس جدید اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا دختران نیز می‌توانستند وارد مدارس شوند و تحصیل کنند: دبستان در ایران از سال ۱۲۷۵ ش آغازید که امین‌الدوله، به دست میرزا حسن رشدیه، دبستان‌هایی را نخست در تبریز و سپس در تهران تأسیس کرد. در تهران تا دیری تنها یک دبستان وجود داشت، ولی پس از زمانی، در سایه روآوردن مردم، دبستان‌های دیگری تأسیس شد. نخست برخی از روحانیون قشری دشمنی خود را آشکار کردند و عده‌ای از آنان می‌خواستند به پیروی از همان الفبای کهن کتاب بنویسند، ولی در این میان دو تن از روحانیون نیک‌نام خود پشتیبان مدارس گردیدند (کسروی، ۱۳۵۵: ۲۸).

در شعبان ۱۳۲۵، در دوران سلطنت محمدعلی شاه (۱۲۲۷-۱۳۲۴ ق)، اصل نوزدهم قانون اساسی مشروطه به حمایت قانونی و مادی دولت از مدارس اختصاص یافت.

فعالیت‌های بانوان، برای گسترش مدارس دخترانه، حتی در دوران استبداد محمدعلی شاه هم ادامه یافت با گسترش روزافزون مدارس دخترانه به همت زنان و مردان

روشن فکر ایرانی آرام آرام وضعیت پیشین قشر زنان تغییر کرد و در پناه انقلاب مشروطه به آزادی نسبی تحصیلی رسیدند.

در این میان، روزنامه‌های انقلابی وقت هم از توجه به محرومیت‌های زنان غافل نبودند، و البته در این میان سهم روزنامه‌هایی که در خارج از کشور چاپ می‌شد مشهودتر است. وقتی مسافران این روزنامه‌ها را به مردم ایران می‌رساندند، بی‌شک زنان روشن فکر و باسواد ایرانی این روزنامه‌ها را می‌خواندند و درباره آن مطلب می‌نوشتند. این روزنامه‌ها در بیداری زنان نقش مؤثری داشته‌اند. در روزنامه *قانون* در این باره نوشته شده است: «بیداری بخت ایران از این نکته نیز خوب معلوم است که زن‌ها معانی آدمیت را زودتر از اغلب مردها درک می‌کنند» (*قانون*).

بی‌شک ابراز تهور از طرف زنان، در وهله اول، نیازمند حمایت مردان بوده است. از میان مردان متدین، سیدجمال‌الدین واعظ اصفهانی و ملک‌المتکلمین، با سخن‌رانی‌های مهیج و ترقی خواهانه خود، بیش از همه به این نهضت کمک کردند:

در آن زمان که نفوذ آقایان روحانیون در بانوان در نهایت اوج و تأثیر بود، زنان وطن پرست ایران، تحت سخنان اینان، بزرگ‌ترین فداکاری‌ها را در راه پیشرفت و ترقی کشور از خود نشان دادند (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۵۱: ۱۷).

۵. گرایش‌های زنانه در ایران

بنابر شواهد تاریخی، زنان در ایران باستان مقام و منزلت والایی داشتند و از اعضای خانواده بودند در *اوستا* نام زن و مرد در یک ردیف نگارش یافته و در دعاهایی که برای دین خوانده می‌شده است زنان در کنار مردان حضور داشته‌اند (علوی، ۱۳۸۶: ۱۵).

در مطالعه‌هایی که درباره زنان قبل از تاریخ شده است، دیده می‌شود که زنان حتی به مقام روحانیت هم می‌رسیدند. از این عصر، تعداد زیادی مجسمه‌های سفالین از ربه‌النوع [ایزد بانو] مادر، که خدای نعمت و فراوانی بوده، در دست است (همان: ۱۷).

اما در عصر ساسانیان، مسئول خانه سرپرست زن بود و با گذشت زمان و اتفاقاتی که در حوزه قوانین ساسانی پدید آمد وضعیت زنان تا حدودی بهبود یافت:

زنان و کودکان و حتی بردگان بدون تردید وضعیتشان در حال ترقی و تحول از پایین به بالا بوده و آنان در راهی بودند که می‌بایست آن‌ها را به طرف استقلال و رهایی جسمانی و عقلانی هدایت کند (بارتلمه، ۱۳۴۴: ۱۲-۱۳).

پس از ورود اسلام به ایران و پذیرفتن دین اسلام از سوی مردان و زنان، قوانینی در حقوق عمومی زنان وضع شد که مطابق با موازین اسلام بود. صرف نظر از این که جانشینان پیامبر (ص)، یعنی بنی امیه و بنی عباس، دیدگاهی سودجویانه و کنیزطلب درباره زنان داشتند در دین اسلام هیچ‌گاه چنین جایگاهی برای زنان بیان نشده است.

در قرآن و سنت نبوی، شخصیت انسانی و شرافت روحانی زن، همسان و برابر با شخصیت روحانی مرد است، اما حقوق مدنی و مالی زن، که تحت تأثیر الزامات اجتماعی قرار دارد، نسبت به مرد دارای نقصان است. این که ارث زن نصف ارث مرد است، قوامت زنان برعهده شوهران می‌باشد یا در مواردی شهادت دو زن با شهادت یک مرد برابر شمرده شده است نباید تصور کرد که، از نظرگاه قرآن و سنت، مرد نسبت به زن از شرافت روحانی بالاتری برخوردار است؛ زیرا مقوله‌هایی چون ارث، قوامت، شهادت، و ... همگی نهادهایی حقوقی هستند و هر نهاد حقوقی ناشی از نظام اجتماعی است و ضمانت اجرایی آن نیز به پذیرفتن مردم یک عصر و جامعه برمی‌گردد (حکیم‌پور، ۱۳۸۲: ۱۹۶).

باید توجه داشت که مسئله ارث نزد تازیان پیش از اسلام حتی در این جایگاه هم نبوده است و زنان خود نیز به ارث برده می‌شدند. قرآن برای مبارزه با این وضعیت روش تدریجی را برگزیده است. مارسل بوازارد (M. Boizard)، اسلام‌شناس سوئدی، بیان می‌کند که در عصر اسلام میانه زنان مسلمان در امر قضاوت حقوق اجتماعی ویژه‌ای داشتند:

رعایت امتیازات خاص زن در اسلام چنان اساسی تلقی شده است که یکی از بنیان‌گذاران عمده مکاتب فقه اسلام اصیل، ابوحنیفه، دستور داد در هر یک از شهرهای اسلامی یک زن مسلمان باید قاضی شود تا رعایت حقوق زن رسماً زیر نظر او باشد (بوازارد، ۱۳۶۲: ۸۱).

پس از گذشت سال‌ها از ظهور اسلام در ایران، با روی کار آمدن حکومت‌های مستقل ایرانی، تاحدودی تکاپو و فعالیت زنان را شاهدیم. در عهد ترکان و مغولان، زن علاوه بر اهمیت فراوان در اقتصاد آن دوران، در زندگی اجتماعی نیز نقش مهمی داشت. برتولد اسپولر (B. Spuler) می‌گوید:

وضع و موقعیت زنان نزد مغولان به مراتب آزادانه‌تر از اعراب است. زنان مغول حداقل تا پایان قرن هفتم بی‌حجاب بوده‌اند و زنان خانواده سفرای خارجی را به حضور می‌پذیرفتند و در انتخاب خان مغول شرکت می‌جستند (بیانی، ۱۳۵۲: ۲۸).

اما موقعیت همین زنان، اعم از ترک و غیر ترک، از زمان اوزون حسن آق قویونلو روال نزولی پیمود تا به وضع نازل و برده‌دار زنان عصر صفوی رسید. تاریخ ایران در عصر افشاریه و زندیه نیز، به سبب ادامه یافتن سنت فرودست‌شمردن زن، تاریخی مذکر است.

در دوران قاجار نیز تحول چندانی در وضعیت زنان ایرانی مشاهده نمی‌شود و فعالانه‌ترین حضور اجتماعی زنان به مراسم محرم ختم می‌شود. البته حرکت اجتماعی زنان در تحریم تنباکو درخور توجه است، اما تا ۱۳۰۴ ش فقط ۳ درصد کل زنان ایرانی باسواد بوده‌اند. با وجود این، در انقلاب مشروطه زنان حضور چشم‌گیری دارند و بین جنبش ملی مشروطه و جنبش حقوقی زنان نوعی پیوند به چشم می‌خورد.

در این میان، شمار بسیار اندکی از زنان مشروطه‌خواه طرف‌دار حقوق زنان بودند. در میان شواهد تاریخی، این مسئله به‌خوبی نمایان است که زنان ایرانی شرکت‌کننده در نخستین جنبش زنان یا از فعالان مشروطه‌خواه و جنبش ملی دهه ۱۲۸۰ ش بودند یا اغلب از خانواده‌هایی بودند که پدرانی در گروه روشن‌فکران داشتند.

از اوایل ۱۲۸۹ ش، خیزش اولیه جنبش حقوق زنان آغاز شد و در دهه ۱۳۰۰ ش به اوج خود رسید و در سال‌های بعد از ۱۳۱۰ ش رو به تیرگی نهاد. به سبب موقعیت فرودست زنان در زمان پهلوی، و مخالفت‌هایی که با جنبش‌ها می‌شد، زنان ناگزیر شدند که مخفیانه به این راه ادامه دهند و در ظاهر همه‌چیز را رها کنند. به همین روی، شواهدی را که درباره آن‌ها می‌توانیم داشته باشیم از ما می‌گیرد.

با روی کار آمدن دوره پهلوی اول، تاحدودی به مسئله حقوق زنان در ظاهر توجه شد؛ که از جمله می‌توان به ثبت قانونی ازدواج در دادگاه‌های مدنی و تأسیس مدارس دخترانه اشاره کرد. هرچند رضا شاه به تغییر وضعیت زنان بی‌اعتنا نبود، چندان علاقه‌ای هم نداشت که میدان عمل را برای گسترش فعالیت‌های زنان باز گذارد. در همین سال‌ها، روزنامه *اطلاعات* (در ۱۵ دی ۱۲۳۱) بیانیه‌ای در مخالفت با تبعیض علیه زنان چاپ کرد. این بیانیه حتی به حضور نخست‌وزیر وقت، دکتر مصدق، هم رسید. در این بیانیه آمده بود:

هیچ کشوری مادامی که زنان را کنار گذاشته باشد نمی‌تواند پیشرفت کند. هیچ ملتی نمی‌تواند ادعای ساختن تمدن را داشته باشد و از آن احساس غرور کند مادامی که زنان از داشتن حقوق مساوی با مردان محروم هستند (ساناساریان، ۱۳۸۴: ۱۱۸).

در طول حاکمیت محمدرضا پهلوی نیز هیچ‌گاه جنبش اجتماعی زنان رشد بیش‌تری نیافت. در این دوران جنبش‌های زنان هم‌سو با اهداف دولت بود.

۶. گرایش‌های زنانه در جهان عرب

اکثریت تاریخ‌نگاران آغاز بیداری عرب را از حمله ناپلئون بوناپارت (N. Bonaparte)،

امپراتور فرانسه، به مصر دانسته‌اند. این حمله، که با پیش‌فرض‌های قبلی در ۱۷۹۸ م رخ داد، عاملی برای پی‌بردن مردم مصر به گذشتهٔ پرارزششان بود. علاوه بر این، آنان نخستین ملت از نژاد عرب بودند که خواهان استقلال و آزادی شدند. در دوران پیش از اسلام، اعراب هم خدای مذکر داشته‌اند و هم خدای مؤنث. لات و عزی دو خدای مؤنث بودند که در این دوران در کنار سایر خدایان مذکر پرستیده می‌شدند. ذکر این نکته ضروری است که زن عرب آثار استقلال و شخصیت مثبت خود را به یک باره از دست نداد. این اتفاق به‌کندی، آرام‌آرام، و همراه با تغییرات اجتماعی - اقتصادی در جامعه به‌وقوع پیوست. زنان برای حفظ حقوق خود به‌سختی مبارزه کردند. این مبارزات گاه موفق بود و گاه ناموفق، اما سرانجام به سلطهٔ کامل پدرسالاری منجر شد.

البته زنان حتی در مراحل اولیهٔ اسلام نیز حق انتخاب شوهر را داشتند و حضرت محمد (ص) این حق را به رسمیت می‌شناختند:

شک نیست که غالب مردان عرب در سلطه بر زن، راه عمر بن خطاب را رفته‌اند. از سخنان عمر می‌توان به این مسئله رسید که او با افتخار از وابستگی خود به قومی که مردانشان بر زنان سرند یاد می‌کند و مردان عرب دیگری را که زنانشان بر آنان سرند به تحقیر می‌نگرد (السعداوی، ۱۳۵۹: ۲۲۸-۲۲۹).

دیدگاه رسول خدا (ص) در حقوق حیاتی و جنسی زنان نتیجهٔ مستقیم مقام نسبتاً بالای زن عرب در آن روزگار است. زیرا زن عرب در وجوه گوناگون زندگی حضور فعال داشت و برخی از آن‌ها نقش مهم و برجسته‌ای را ایفا می‌کردند.

در اواخر قرن نوزدهم، از سویی سیدجمال‌الدین اسدآبادی و شاگردانش و از سویی دیگر متفکران عرب چون احمد فارس الشدایق، که در ۱۸۵۵ م کتاب *الساق علی الساق* را نوشت، آغازگر بیداری فکر عرب شدند. پیش‌گامان نهضت آزادی و بیداری عرب به‌خوبی دریافته بودند که مسئلهٔ زن و آموزش او و توجه به حقوق او از مسائل اساسی در مبارزه با استعمار و عقب‌ماندگی اجتماعی است.

زنان نیز از آغاز در نهضت آزادی دخالت داشتند. از این زنان پیش‌رو، عایشة التیموریه بود که به زبان‌های عربی، فارسی، و ترکی نظم و نثر می‌نوشت. همچنین می‌توان از زینب فواز، ملک حفنی ناصف، و می‌زیاده نام برد.

افزون بر این، زنان زحمت‌کش مصری در قیام ضد استبدادی ۱۹۱۹ م فعالیت گسترده‌ای داشتند و همراه با مردان علیه استعمار انگلستان مبارزه می‌کردند؛ همچنین،

زنان در کشورهای گوناگون عربی پایه‌پای مردان در جنبش‌های آزادی‌بخش شرکت داشتند. در سوریه، زنان با ترکان عثمانی در انجمن‌های مخفی می‌جنگیدند. در فلسطین، زنان پس از اعلامیه سازمان ملل، مبنی بر تقسیم کشور، حضور چشم‌گیری در نهضت مقاومت داشتند. در عراق، اردن، سودان، کویت، لیبی، تونس، مغرب، و سومالی نیز زنان در راه رسیدن کشورشان به استقلال و آزادی تلاش می‌کردند. از نتایج بسیار سودمند کار و تلاش زنان آزادی‌خواه عرب می‌توان به حق رأیی اشاره کرد که زنان در اکثر کشورهای عربی دارند.

۷. حضور زنان با گرایش‌های زنانه در ادبیات ایران

بی‌شک درخشش حضور زنان نویسنده و آشنایی آنان با روزنامه و مدرنیت و سوادآموزی بعد از انقلاب مشروطه چشم‌گیر است. در این دوران، زنان آثار متنوعی آفریده‌اند. نگارش چند رمان و تعداد بسیاری داستان کوتاه نشان‌دهنده حضور پررنگ آنان در عرصه آفرینش هنری است. این نوشته‌ها اگر هم کم و بیش ضعف نگارشی داشته باشند، اما چون بیان‌گر احساسات و تجربیات زنانه‌اند تازگی و صمیمیتی خاص دارند. سیمین دانشور را می‌توان نخستین رمان‌نویس ایران دانست. نخستین داستان ایشان به نام *آتش خاموش* در ۱۳۲۷ ش منتشر شد.

می‌توان درون‌مایه داستان‌های زنان را چنین توصیف کرد:

پس از انقلاب مشروطه و دستیابی زنان به آزادی‌های نسبی، آنان جسارت نوشتن یافتند. ولی ناگهان در جامعه‌ای مردسالار محو شدند، اما مهم‌ترین دغدغه آنان، که پررنگ کردن عنصر زنانگی و دیدی کاملاً انسانی به زن است، در اغلب داستان‌ها با معیارهای متفاوت دیده می‌شود.

پس از انقلاب اسلامی، با توجه به تغییرات و تحولاتی که درون جامعه اتفاق افتاده است، طبیعی به نظر می‌رسد که هنرمند هم توجه بیشتری به مسائل و تحولات اجتماعی داشته باشد.

در این دوران، سعی نویسندگان زن نمایاندن زن در مقام یک انسان است نه صرفاً عنصری جنسی. همچنین، در آثار آنان به نهاد خانواده توجه و اهمیت بیشتری داده شد. از دیگر ویژگی‌های مهم این دوران، افزایش شمار نویسندگان زن و گرایش اغلب آنان به نوعی رهایی درونی است:

آنان سعی می‌کنند پوسته‌ای را که مانند عروسک کوکی از ایشان در دوره قبل ساخته بودند، بشکنند و از چهاردیواری خانه و سنت پا برون بگذارند. در این دوره آنقدر تنوع و کیفیت آثار پدیدآمده توسط زنان فراوان است که می‌توان از شروع یک ادبیات زنانه خاص بعد از انقلاب حرف زد (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ۳/ ۱۱۱۰).

بعد از نثر، شعر نیز در حوزه ادبیات زنانه جایگاه ویژه‌ای دارد.

در دوران پهلوی اول، پروین اعتصامی برجسته‌ترین چهره شعر اخلاقی و تعلیمی است. شاید مهم‌ترین عامل پیشرفت پروین در مقام یک زن در آن روزگار وجود پدر دانشمند و فاضل او، یوسف اعتصام‌الملک، بود؛ چراکه وی به تربیت زنان، برای پیشرفت و ترقی، اهمیت می‌داد.

پس از پروین، فروغ فرخزاد است که از دوران نوجوانی سرودن شعر را آغاز کرد و اولین تجربه‌های شاعری خویش را منتشر کرد:

این اشعار شامل چهارپاره‌ها و نوسروده‌های رمانتیک با مضامینی خام و خط محتوایی مبتنی بر عواطف و تمایلات غریزی بود: گریز از تنهایی، میل به گناه، و دغدغه‌رهایی از چهارچوب سنت‌ها و اخلاقیات فردی و اجتماعی (روزبه، ۱۳۸۱: ۲۱۵).

طاهره صفارزاده دیگر شاعر زنی است که با میراث شعری حاصل از نگرش نو قدمایی دهه ۱۳۳۰ تا بینش شعری مدرن خود را معرفی کرد. پس از او سیمین بهبهانی با غزل‌های رمانتیک و به‌کارگرفتن وزن‌های غیررایج حرکتی نو را آغاز کرد.

در کل، «در سال‌های پس از انقلاب، تنی چند از زنان پیش‌رو جامعه، حتی در عرصه فیلم‌سازی و کارگردانی، هم‌دوش مردان ظاهر شدند و بعضاً به تشخیص نیز رسیدند» (همان: ۳۶۲).

۸. زنان در ادبیات عرب

از میان زنان روشن‌فکر در جامعه عرب، دکتر نوال السعداوی، در مقام نویسنده و مدافع حقوق بشر و یا به طور خاص مدافع حقوق زنان مصر، چهره‌ای برجسته دارد. السعداوی عضو فعال نهادهای متعدد حقوق بشر و نیز حقوق زنان در مصر، جهان عرب، و قاره آفریقا است. از دیدگاه نوال السعداوی، اسلام حقوق جدیدی به زن داده و حقوق کهن را از او پس گرفته است. به نظر او، زن در زمان پیامبر اکرم (ص) حقوقی داشته که امروز در بیش‌تر سرزمین‌های عرب فاقد آن است. نوال السعداوی کم‌خردی زن در مقایسه با مرد را

افسانه‌ای بیش نمی‌داند و می‌گوید که تاریخ از آن حکایت دارد که زن در به‌کارگرفتن عقل بر مرد پیشی گرفته است و حوا بود که به اراده خود به جست‌وجوی معرفت برخاست.

فاطمه مرنیسی زن روشن‌فکر دیگری است که به نقش زنان در اسلام توجه بسیاری دارد و در آثارش چهره حقیقی اسلام مورد نظر پیامبر (ص) و همچنین شیوه سلوک ایشان با همسرانش را مطرح می‌کند که این یادآور وصل و پیوند است. مرنیسی سعی می‌کند گفته‌هایش را با پژوهش‌های قرآنی ثابت کند.

از دیگر زنان روشن‌فکر، می‌توان از می‌زیاده نام برد که نوال السعداوی وی را یکی از نوابغ ادب عرب می‌شمارد. در همه نوشته‌های او تفکر نقش مهمی دارد. و اساس تفکر در آثار او، به هر سبک و شیوه‌ای و در هر موضوعی که نوشته شده باشد، اصلاح جامعه و ارتقای ملت است.

از میان زنانی که در جامعه عرب در هر دو حوزه نظم و نثر فعالیت می‌کنند، غاده السمان، شاعر و متفکر سوری، جایگاه ویژه‌ای دارد. با نگاهی به آثار او درمی‌یابیم که تنها زن شاعر و نویسنده پرکار در سرزمین عرب است که از مسائل پیرامونش آگاه است و آگاهانه عمل می‌کند. بزرگانی چون شهید غسان کفانی، داستان‌نویس فلسطینی، محمدمهدی الجواهری، شاعر پرتوان عراقی، یوسف ادیس، نویسنده فقید مصری، پروفیسور ولادیمیر شاگال (V. Shagall)، مستشرق و مترجم روسی، آثار غاده السمان را تحسین کرده‌اند و او را برای ادبیات عرب و جهان غنیمتی می‌دانند. ادبیات او اوج ادبیات زنانه دانسته شده است.

از دیگر زنان نویسنده، می‌توان از حنان الشیخ، میرال الطحاوی، رجاء الصانع، سیمره عزام، رضوی عاشور، ناز الملائکه، و سحر خلیفه نام برد.

۹. بررسی تطبیقی گرایش‌های زنانه ایران و عرب در ادبیات معاصر

۱.۹ آزادی زن

از گرایش‌های مهم و رویکردهایی که نویسندگان و شاعران زن در آثار خود به آن بسیار توجه می‌کنند مسئله آزادی است. برداشت هر یک از این زنان درباره آزادی و زن آزاد در جامعه خود ممکن است متفاوت باشد، اما زنان ایران و عرب، به سبب رابطه‌های فکری و شرایط مذهبی مساوی، رویکرد تقریباً مشابهی از آزادی را در آثار خود بیان می‌کنند.

نوال السعداوی، همچون دیگر زنان روشن‌فکر عرب، آزادی را در مفهوم غربی آن نمی‌پذیرد و بارها در کتاب *چهره‌ عریان زن عرب* این مطلب را تأکید می‌کند. از نظر ایشان، عشق و آزادی در زندگی مردم عرب کاملاً نادرست است:

یک اثر مشهور هنری به نام *هزار و یک شب* از طرف بسیاری از محققان و نویسندگان غربی، که خود را 'شرق‌شناس' می‌نامند، به عنوان یک منبع اطلاعاتی برای مطالعه زندگی مردم عرب به کار گرفته شده است. اینان داستان‌های *هزار و یک شب* و به خصوص داستان‌های مربوط به عشق‌بازی‌ها و روابط جنسی آن را بیان‌گر خصوصیات مردم عرب می‌گیرند و می‌پندارند که این داستان‌ها، به عنوان کلیدی، درهای 'روح عرب' را به روی آنان می‌گشاید و به آنان اجازه می‌دهد که به عمق قلب و مغز عرب راه یابند (السعداوی، ۱۳۵۹: ۲۳۷).

از دیدگاه نوال، آزادی‌ای که زنان در داستان‌های *هزار و یک شب* در ابراز احساس و عشق دارند فقط انعکاس جزئی و یک‌طرفه از زندگی و رؤیاهای بخش بسیار کوچکی از جامعه عرب بیش از ده قرن پیش است. تصویری که از زن عرب در *هزار و یک شب* دیده می‌شود هرگز نمی‌تواند بیان‌گر شخصیت و وجود واقعی او باشد. ایشان در ادامه بیان می‌کند که اگر قرار است آزادی اعطا شود، این آزادی باید همه‌جانبه باشد نه این‌که فقط آزادی جسمانی مطرح شود.

در میان مردان روشن‌فکر و شاعران ترقی‌خواه عرب، نام نزار قبانی، مردی که زن را شخصیتی کاملاً آزاد می‌داند می‌درخشد. نزار از زن می‌خواهد احساس خود را حتی اگر تنفر است، ابراز کند؛ زیرا به نظر وی حرف‌زدن زن هویت او را بیان می‌کند. قبانی زن را منزلی از منازل هستی می‌داند که در جای خود باقی نمی‌ماند و با آزادی‌ای که دارد جای خود را تغییر می‌دهد. نزار قبانی بر این باور است که سینه زن را از زیر دندان خلیفه‌ها آزاد ساخته است:

من می‌خواهم سینه زن را از زیر دندان خلیفه‌ها آزاد سازم و مرحله سری‌بودن و احکام عرفی مفروض بر جسم زن عرب را از بین ببرم و قانون اصلی عشق را بازگردانم (قبانی، ۱۳۶۳: ۴۷).

۲.۹ نامه‌ای به مردی

آقای ارجمندم
این کلام زنی ابله است

آیا پیش از من
زنی ابله برایت چنین نوشته است؟
نامم را رها کن
چه تفاوتی دارد رانیه ... یا زینب
یا هنه ... یا هیفاء
سخیف‌ترین چیزی که ما با خود داریم
همین نام‌هاست
سرورم
آقایم
بیم دارم که بگویم چه چیزهایی با من است
بیم دارم
کاشکی می‌توانستم
آسمان را بسوزانم
زیرا سرورم، مشرق‌زمین شما، نامه‌های آبی و رویاها را از گنجینه زنان مصادره می‌کند
و عواطف زنان را ممنوع می‌سازد
مشرق‌زمین شما
چون با زنان سخن می‌گویند، کارد و ساطور برمی‌گیرد
و بهارها و خواش‌ها
و گیسوان بافته سیاه را ذبح می‌کند
سرورم
مشرق‌زمین شما
تاج شرق والایش را
از جمجمه‌های زنان
می‌سازد
سرورم
از دست خط آشفته‌ام
به من خرده مگیر
زیرا
اکنون که می‌نویسم
جلاد در پشت در خانام ایستاده است
و از بیرون خانه

زوزۀ باد و عوعوی سگان می‌آید
سرورم
عنترة العبسی^۲ در پشت در است
اگر کلام مرا بشنود،
مرا خواهد کشت
اگر جامۀ نازکم را ببیند،
سرم را جدا خواهد کرد
آقای ارجمندم!
مشرق‌زمین شما زن را خصمانه محاصره می‌کند
سرور گرامی‌ام!
مشرق‌زمین شما
با مردان چون پیامبران
بیعت می‌کند
و زنان را در خاک
پنهان می‌سازد.

(فرزاد، ۱۳۸۳: ۹۴-۹۵)

در کنار نزار قبانی، غادة السمان از شاعران متعهدی است که مشکلات امروز جهان عرب و مسائل زنان و مردان جامعه‌اش را روشن‌فکرانه بررسی می‌کند. آزادی از نوع غربی را برای زن عرب نمی‌پذیرد و همچون نزار قبانی زنان را مسئولیت‌پذیر می‌داند و به آنان حق انتخاب می‌دهد:

غربی‌ها، با سوق دادن به سوی شبه‌آزادی و عدم مسئولیت، کوشیدند زنان و مبارزات آنان را به سوی دیگر منحرف کنند. اکنون زن غربی واقعاً نمی‌داند با این آزادی مطلق، که در حقیقت جبر و سرگردانی است، چه بکند؛ زیرا به نوعی دیگر خود را جنس دوم و گرفتار در دست همان خرافه‌های گذشته می‌داند، البته از نوع مدرنش و سرانجام احساس می‌کند که آنچه در طلبش بوده، نه تنها هرگز به دست نیاورده، بلکه در آشفته‌بازار شهوت‌سالاری بازی را باخته است (السمان، ۱۳۸۵: ب: ۱۸).

نه!

نمی‌خواهم تنها زنی باشم
سرگردان
در میان سلول‌های نیاکانم

که جز خصیصه‌های میراثی آنان
چیزی را با خود نداشته باشد
و هرگز از نخستین بذر خویش
دست برندارم
و نیاکانم را رها نکنم
هم بدین حقیقت
که آنان در وجود و سلول‌ها و خونم
حضور دارند
نمی‌خواهم ...
اما
بدین شرط که هستی‌ام پیش از هر چیز
بوده باشد ...
و زندگانی‌ام
تکرار آنان نه
که آفرینشی از آن خویشتن خویشم باشد
و دیگر به زیر عبای نیایم
به‌در نشوم.
(السمان، ۱۳۸۶: ۴۰-۴۱)

۳.۹ ایران و زن ایرانی

از اواخر دوران قاجاریه به بعد، زمزمه‌های آزادی‌خواهان و متجددان برای آزادی زنان به گوش می‌رسید؛ اگرچه پیش از این دوران، در میان اقوام ایرانی، که از آغاز قرن هفتم پیش از میلاد تا روی کار آمدن کوروش کبیر بر ایران سلطنت می‌کردند، رگه‌هایی از اهمیت جایگاه زن را می‌توان دید:

قوم ماد اولین قومی بودند که به مقام زن در جامعه پی برده و در تجلیل مقام او کوشیده‌اند. این قوم آریایی‌نژاد، در قوانین و مقررات ملی و اجتماعی خود، حقوق و امتیازات بسیاری برای زنان مقرر داشته و پرورش زن را پایه و اساس ترقی و پیشرفت جامعه می‌دانستند (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۵۱: ۶۳).

جنبش اصلی زنان رابطه‌ای مستقیم با تاریخ مشروطه دارد. نخستین جرقه‌های نهضت آزادی زنان در ایران با تأسیس مدارس دخترانه آغاز شد. بسیاری از زنان روشن‌فکر و

پیش‌رو، که بعدها هسته مرکزی جنبش‌های آزادی‌خواهانه زنان ایران را تشکیل دادند و آثارشان در مطبوعات آن روز درج شد و یا چندی بعد نخستین مطبوعات اقتصادی زنان را بنیان نهادند، عموماً از همین گروه بودند. در میان این زنان، پروین اعتصامی حضور پررنگی دارد:

پروین، علاوه بر اشعار مهیج و تکان‌دهنده‌ای که در افکار و اندیشه زنان آن روزگار باقی می‌گذارد، در نشریات نیز اشعاری می‌نوشت:
چشم و دل را پرده می‌بایست اما از عفاف
چادر پوشیده بنیان مسلمانی نشد
(همان: ۶۷)

و یا در جایی دیگر:

در عدالت‌خانه انصاف زن شاهد نداشت
در دبستان فضیلت، زن دبستانی نبود
در قفس می‌آرمید و در قفس می‌داد جان
در گلستان، نام از این مرغ گلستانی نبود
از زر و زیور چه سود آن‌جا که نادان است زن
زر و زیور پرده‌پوش عیب و نادانی نبود
(راوندی، ۱۳۵۷: ۳، ۷۲۹)

بعد از پروین، فروغ فرخزاد شاعری است که زنانه می‌سراید و آزادی را برای زن از نوع زنانه‌اش می‌خواهد و حق انتخاب به او می‌بخشد:

تمام روز در آینه گریه می‌کردم
تمام روز نگاه من
به چشم‌های زندگی‌ام خیره گشته بود
به آن دو چشم مضطرب ترسان
که از نگاه ثابت من می‌گریختند
و چون دروغ‌گویان
به انزوای بی‌خطر پلک‌ها پناه می‌آوردند
کدام قله؟ کدام اوج؟
مرا پناه دهید ای زنان ساده کامل
که از ورای پوست سرانگشت‌های نازکتان

مسیر جنبش کیف‌آور جنینی را
دنبال می‌کند
و در شکاف گریبانتان همیشه هوا
به بوی شیر تازه می‌آمیزد
کدام قله؟ کدام اوج؟
مرا پناه دهید ای اجاق‌های پرآتش، ای نعل‌های خوش‌بختی
و ای
سرود ظرف‌های مسین در سیاه‌کاری مطبخ
و ای ترنم دل‌گیر چرخ خیاطی و ای جدال روز و شب فرش‌ها و جاروها
مرا پناه دهید ای تمام عشق‌های حریصی
که میل دردناک بقا بستر تصرفتان را
به آب جادو
و قطره‌های خون تازه می‌آراید

(فرخزاد، ۱۳۸۳: ۲۸۱-۲۸۲)

۴.۹ مبارزه با تبعیض

بی‌شک تبعیض میان دو جنس از دو عامل ناشی می‌شود:

۱. نپذیرفتن زن در مقام یک انسان؛

۲. قائل نبودن آزادی برای زن.

دورانت (W. Durant)، در کتاب *تفسیرهای زندگی*، تم اصلی کتاب جنس دوم سیمون دو بووئار (S. De Beauvoire) را درباره زندگی زنان از جنبه‌های گوناگون زیست‌شناسی، فیزیولوژی، روان‌شناسی، روان‌کاوی، و ... می‌بیند و می‌گوید:

از نظر زیست‌شناسی، جنس مؤنث، که جریان اصلی زندگی را تشکیل می‌دهد، با جنس مذکر وجودی فرعی دارد که اغلب ناستوار و گذرا و گاهی بی‌اهمیت است. پیگیری و تلاش‌های جنس مذکر، برای به دست آوردن غذا، توانایی‌های بیش‌تری را در او توسعه داده و در انواع تکامل یافته تر موجب پیشرفت اقتصادی و ذهنی او شده است. ناتوانی جنس مؤنث به سبب عادات ماهانه، حاملگی، زایمان، بیماری‌های تناسلی، و خانه‌نشینی رشد او را از نظر تأمین خود کند و حوزه علائق و درگیری‌های او را تنگ و تکامل ذهن او را محدود کرده است. اما تفاوت‌های روان‌شناسانه دو جنس بیش‌تر به تاریخ و حقوق مربوط می‌شود نه به ویژگی‌های موروثی. در صورت برخورداری از فرصت‌های مساوی با مردان، زنان

توانایی‌های فکری از خود نشان می‌دهند که با توانایی‌های فکری مردان همسان است (دورانت، ۱۳۶۹: ۳۰۴).

به‌راستی اگر محیط پرورش و رشد انسان‌ها، اعم از زن و مرد، خردمندانه باشد، تفاوت دو جنس به نابرابری و تبعیض میان آن‌ها نمی‌انجامد. اگر در خانواده حضرت علی (ع) میان فرزندان پسر و دختر تبعیض بود، چگونه زینب (س) می‌توانست در بارگاه یزید از خانواده حضرت علی (ع) دفاع کند؟

در میان شاعران زن در ایران، رهایی از این تبعیض با حضوری زنانه در شعر بیان می‌شود. شاعران زن با احساس و دید زنانه تجربه خود را از زندگی بیان می‌کنند. زن امروز از زندان ذهن مرد خارج شده است و خود جهان را لمس می‌کند تا نیمه‌لمس شده جهان را بارور و فعال کند.

فروغ فرخزاد احساس زنانه و خاص خود را در این‌باره با شجاعت بیان می‌کند:

سخن از پیوند سست دو نام
و هم‌آغوشی در اوراق کهنه یک دفتر نیست
سخن از گیسوی خوش‌بخت من است
با شقایق‌های سوخته بوسه تو
(فرخزاد، ۱۳۸۳: ۲۸۴)

سیمین بهبهانی نیز در این زمینه از عناصر زنانه استفاده می‌کند:

روزی تن نازک در نور خواهم شست
تا بخشدم خورشید
ز آن حله زرتار
برق سحرگاهان بر نیزه تردم
یک روز خواهم ریخت اندیشه پیکار
رنگین‌کمان در من، انگاره خواهد بست
کز هفت آرایش رنگین کنم رخسار
گلبرگ نیلی را بر باد خواهم داد
آشفته خواهم کرد ابریشمین دستار
(السمان، ۱۳۸۵: ب: ۱۷)

از سوی دیگر، در میان آثار نویسندگان زن در ایران نیز توجه به احساسات زنانه دیده

می‌شود. آنان از تبعیض شکوه دارند و آن را رد می‌کنند. شهرنوش پارسی‌پور انگیزه خود را از نوشتن تبدیل شدن خویش به انسان بیان می‌کند:

من می‌نویسم چون اندیشیدن را آغازیده‌ام؛ دست خودم نبوده است که چنین شده. ناگهان پوسته حیوانی ماده‌گاو را از دوشم برداشته‌اند؛ از این رو، می‌نویسم چون گویا دارم انسان می‌شوم: می‌خواهم بدانم کیستم؟ (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ۳/ ۱۱۱۰).

و در سوی دیگر نویسندگان زن عرب نیز در برابر تبعیض واکنش نشان می‌دهند: رضوی عاشور، از نویسندگان پرکار زن مصری، هدف خود را از نوشتن بیان تبعیض در میان انسان‌ها می‌داند و در مصاحبه‌ای، هنگامی که از او سؤال می‌کنند «چرا می‌نویسی؟»، می‌گوید:

من زنی عرب هستم و شهروندی از جهان سوم و به واسطه هردوی این‌ها میراث من خفه می‌شود. من این حقیقت را با مغز استخوانم لمس می‌کنم و از گسترش این وضع می‌ترسم؛ پس برای دفاع از دیگران بی‌شماری که من معرف آن‌ها هستم و یا کسانی که مثل من هستند می‌نویسم (عاشور، ۱۳۸۶: ۲۵۵).

فدوی طوقان، از زنان آگاه فلسطین، در اشعارش پرسش جاودانه‌ای درباره آزادی مطرح می‌کند:

می‌پرسم تو چستی؟

از بادها شنیدم که

به من می‌گویند مانند زمزمه تقدیر هستی

تو، ای عشق من، سرود جاودانگی هستی

و من پژواک تو از رهگذر وجودم

(عباس، ۱۳۸۴: ۲۹۴)

۵.۹ نقد خشونت و جنگ

خشونت علیه زنان به هر نوع رفتار خشن و ابسته به جنسیت گفته می‌شود که آشکار یا پنهان رخ می‌دهد و موجب آسیب جسمی، جنسی، روانی، و رنج زن می‌شود. چنین رفتاری ممکن است تهدید یا اجبار یا سلب مطلق اختیار و آزادی باشد.

در این مورد، زنان، که نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، به سبب آسیب‌پذیر بودن و بی‌توجهی همواره در معرض تهدیدهای ناشی از خشونت به‌سر می‌برند که این خشونت به تخریب محیط اجتماعی و محیط طبیعی می‌انجامد.

رفتار خشونت‌آمیز با زنان در داستان‌ها و افسانه‌های کهن ایران زمین نیز دیده می‌شود. در این داستان‌ها و افسانه‌ها زنان دو دسته‌اند: یا مثل خوبی، پاکیزگی، زیبایی، و معصومیت‌اند و یا پیر، عجوزه، نمونه حيله گری، و بدطیبتی. در این قبیل قصه‌ها، اگر نقش مثبتی به زنان داده می‌شود، کاملاً مردانه است. گویی زنان در تاریخ یا دیده نمی‌شوند و یا اگر هم دیده شوند، کاملاً در هویت و قالب مردانه‌اند. مانند مردان سخن می‌گویند و سلوکی مردانه دارند و در لباس مردان می‌جنگند و سرانجام به تملک قهرمان درمی‌آیند.

شیخ‌الاسلامی، در مبحث خشونت‌های فرهنگی علیه زنان یادآوری می‌کند که یکی از اروپاییان در شرح مسافرتش به ایران چنین می‌نویسد:

من در دوره اقامت در ایران زن ندیدم. مگر گاهی به‌ندرت در کوچه و بازار اجسام متحرکی می‌دیدم که در پارچه سیاهی پوشیده شده بودند و می‌گفتند این‌ها زن‌های ایران هستند. در کشور استبدادی ایران، زن‌ها را به‌حدی تحقیر می‌کردند که مردها آن‌ها را ضعیفه می‌گفتند و از بردن نام آن‌ها خودداری می‌کردند و غافل از این بودند که شرکت ندادن زن در امور اجتماعی و محروم کردن آن‌ها از حقوق عمومی و آزادی و عدم رعایت مساوات و برابری در حق آن‌ها و غفلت در تربیت و مستورنگه‌داشتن آنان بزرگ‌ترین ریشه بدبختی و دورافتادگی ایرانیان، بلکه ملل شرق از کاروان تمدن جهان و دست‌نیافتن به تمدن و مدارج عالیه بوده است و محال است تا مادران از آزادی و تربیت برخوردار نشوند و از علم و دانش بهره‌مند نگردند، یک نسل مترقی و متمدنی به‌وجود بیاید و یک دنیای نوینی ایجاد گردد (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۵۱: ۷۴).

زنان حتی با ظهور انقلاب صنعتی و آزادی نسبی که به واسطه آن به‌دست می‌آوردند از خشونت‌رهایی نیافته‌اند. این‌بار خشونت کار آن‌ها را رها نمی‌کند؛ پابه‌پای مردان و هم‌دوش آنان کار می‌کنند حتی ساعت کاری آنان برابر، اما حقوقی که می‌گیرند نابرابر است. در عصر شکوفایی نظام بورژوازی، به سبب کمبود نیروی کار زنان را به بازار کار کشاندند، ولی در سال‌های بعد از جنگ با نیروی کار مازاد روبه‌رو شدند و زنان را به خانه برگرداندند.

مرنیسی، پژوهش‌گر معاصر عرب، درباره خشونت در صدر اسلام چنین می‌نویسد:

بر اساس اسناد و مدارک تاریخی بی‌شمار، زنان در مدینه پیامبر (ص) از بردگی و خشونت نجات یافتند و خواستار اعطای حق مشارکت برابر در جامعه شدند تا تاریخ عرب را رقم بزنند. هزاران نفر از آنان از اشرافیت قبیله‌ای مکه گریختند و به مدینه رفتند؛ چراکه اسلام برابری و احترام را برای همه، زن و مرد، آقا و خدمت‌گزار، تضمین می‌کرد. در دورانی که

پیامبر(ص) رهبر سیاسی مسلمانان در مدینه بود، هر زنی که به این شهر وارد می‌شد از تمامی حقوق و امتیازات یک شهروند به عنوان صحابی، یعنی یار و همراه پیامبر(ص)، برخوردار می‌شد. این افتخار مسلمانان است که در زبان عربی کلمه صحابه، مؤنث صحابی، وجود دارد؛ به این معنی که زنان از حق عضویت در شوراهای امت اسلامی برخوردار بودند.

پایین آمدن مقام زن در اسلام در عصر عباسیان و دوران هارون الرشید اتفاق می‌افتد؛ عصری که از آن به عنوان دوران طلایی یاد می‌کنند. جرجی زیدان معتقد است که انحطاط و سقوط زنان در دوره عباسیان و دوره‌ای که مسلمانان مشغول تصرفات جهانی خویش هستند اتفاق می‌افتد. مردان به یکدیگر جاریه‌های ایرانی، رومی، ترک، و غیره هدیه می‌دادند (مرنیسی، ۱۳۸۰: ۱۲۸۳).

از نظر مرنیسی، با رونق اقتصادی و گسترش شهرها، «زن عرب به طور کلی به حاشیه رانده شد و آزادی و غرور خود را از دست داد و با او به صورت تحقیرآمیزی برخورد شد. او پشت درها و پنجره‌ها محبوس ماند» (همان).

در این باره سیمین دانشور، در رمان *سوشون*، به نوعی ناخشنودی زن ایرانی و در معنای خاص‌تر، مادر ایرانی را از جنگ بیان می‌کند؛ زیرا جنگ می‌تواند پایه‌های آرامش خانواده را بلرزاند و به همه آسیب برساند. ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که *سوشون* دانشور در نقد جنگ در ردیف گویاترین داستان‌ها و بزرگ‌ترین رمان‌هاست.

گاهی خشونت خود را از نوع فرهنگی نشان می‌دهد. بی‌توجهی به حق زن برای انتخاب و قرارداد او در جایگاهی که هرگز به آن تعلق ندارد نیز می‌تواند از نوع خشونت علیه زنان نامیده شود. در این باره می‌توان به نمونه‌هایی از شعرهای شاعران زن اشاره کرد:

من بانوی
اشیای بی‌مصرفم
جماداتی که همیشه در خوابند
و بیهودگی بر لبه نرم هستی‌شان
لرزان
من بانوی گیاهانی هستم
که مرده‌اند
و کودکانم الیاف نازک ذهنم را
می‌مکند تا باشند

ظرفی از رخوت
به دستم بده
هم‌بستر نهنگانی هستم
که اقیانوس را در رگ‌هایم می‌ریزند
و در آب‌گیری از معصیت
رهایم می‌کنند
من بانوی دیوانه‌خانه‌ای هستم
با دیوارهایی تابان
که استخوان تنهایی‌ام را
ناسور می‌کنند
رنگ تنم آبی‌ست

(روزیه، ۱۳۸۱: ۲۶۳)

در میان ملت عرب، بی‌تردید زنان فلسطینی بیش‌ترین رنج‌ها را متحمل شده‌اند. آنان سال‌هاست که با خشونت و جنگ مبارزه می‌کنند. زنان فلسطینی مایه‌ی روشنی شعله‌ی مقاومتی‌اند که بیش از پنجاه سال است ملتی را برپا نگه داشته است. به علاوه، آن‌ها در عرصه‌های گوناگون دفاع از زندانیان، حمایت از کودکان، آموزش فرزندان، و برپایی انجمن‌های مردمی کوشا بوده‌اند.

سحر خلیفه، رمان‌نویس مشهور فلسطینی، که مجله‌ای به نام زن را در شهر رام‌الله منتشر می‌کند، در ۱۹۹۲م در مصاحبه‌ای می‌گوید:

انتفاضه نقش‌های جدیدی به عهده‌ی زن گذاشته است. زنان ما حالا به سوی دشمن سنگ می‌اندازند، در اداره و بهبود اوضاع تعاونی‌ها مشارکت دارند، جمعیت‌های فرهنگی و سیاسی را رهبری می‌کنند. زن فلسطینی در انتفاضه قادر است هر کاری را که مردها می‌کنند انجام دهد. از صحنه کنار رفتن مرد، چه به‌خاطر زندان و چه به‌خاطر کار در خارج از کشور، نقش و مسئولیت واقعی را به زنان محول کرده است. تصمیم‌گیری، چه در منزل و چه در خارج از منزل، به عهده‌ی اوست. انتفاضه تجربه‌ی نوینی است که او را به کشف خویش و قدرت تولیدی‌اش واقف ساخته است. او امروز احساس می‌کند که در تولید و کار با مرد برابری می‌کند و بدین‌ترتیب است که خواهان حقوق خود و مساوات با مرد شده است. زن فلسطینی احساس می‌کند که منزلتی کم‌تر از مرد ندارد؛ زیرا همان مسئولیت‌هایی را برعهده می‌گیرد که سابقاً در انحصار مردان بوده است (شتاوا، ۱۹۹۲: ۱۴۶).

۶.۹ عرضه‌الگوهای رفتاری

بی‌شک، درس‌گرفتن از اشتباهات و پرهیز از پیمودن راه‌هایی که بهای گزافی برای آن‌ها پرداخت شده است ممکن است در این مقطع از تاریخ برای زنان بی‌اندازه سودمند و مؤثر باشد.

امروز مهم‌ترین راه‌حل برای آگاه‌کردن زنان از وضعیت اجتماعی و فرهنگی خود بروز خلاقیت آن‌ها در عرصه‌های گوناگون زندگی است. زنان باید به این مسئله ایمان داشته باشند که برخی از توانایی‌های آنان را حتی مردان هم ندارند. راه‌حل این نیست که همانند غرب وجود مردان را از زندگی نفی کنیم، بلکه باید زنان به ماهیت اصلی و توانمندی‌های خویش آگاه‌تر شوند.

اشتباه بزرگ جنبش زن‌گرایی در غرب این است که معیارها و ارزش‌های مردانه را ارزش‌های انسانی و فضایل زنانگی - مادرانگی را به فراموشی سپرده است و جهان را مردانه می‌داند. تعریف مردانه از هرچیز یگانه تعریف معتبر و ادراک مردانه درباره زندگی یگانه ادراک درست قلمداد می‌شود. زنان شرقی هنوز فرصت دارند که مرتکب چنین اشتباهی نشوند. اکثر آنان هنوز با خود طبیعی و راستینشان رابطه برقرار می‌کنند؛ بنابراین، می‌توانند چیزهای فراوانی درباره زنانگی از دست‌رفته و فراموش شده به جهان بیاموزند. آنان هنوز با ادراکات زنانه زندگی می‌کنند و تأثیرات ذهنی هورمون‌هایشان، به اندازه زنان غربی، کاملاً سرکوب نشده و زنانگی هنوز «شیئی جنسی» نشده است.

فروغ فرخزاد برای نخستین بار حس زنده‌بودن و خلاق‌بودن را در میان زنان ایرانی نمایان می‌کند:

حرفی به من بزن

آیا کسی که مهربانی یک جسم زنده را به تو می‌بخشد

جز درک حس زنده‌بودن از تو چه می‌خواهد؟

(فرخزاد، ۱۳۸۳: ۳۷۳)

فروغ جهش به قلمرو آزادی را به همه زنان پیشنهاد می‌دهد. حس زنانگی را به آنان گوش‌زد می‌کند و بر این باور است که می‌توان زندگی را موافق آرزوها و قوانین زندگی ساخت:

وقتی اعتماد من از ریسمان سست عدالت آویزان بود

و در تمام شهر

قلب چراغ‌های مرا تکه‌تکه می‌کردند،
وقتی که چشمان کودکانه عشق مرا
با دستمال تیره قانون می‌بستند
و از شقیقه‌های مضطرب آرزوی من
فواره‌های خون به بیرون می‌پاشید
وقتی که زندگی من دیگر چیزی نبود
هیچ‌چیز به جز تیک‌تیک ساعت دیواری
دریافتم که باید، باید
دیوانه‌وار دوست بدارم

(همان: ۳۳۶)

غادة السمان، شاعر معاصر عرب، نیز راه‌حلی کاملاً زنانه عرضه می‌کند. به معشوقش اعلام می‌دارد که اگر او را دوست می‌دارد فقط و فقط به‌خاطر وجود زنانه‌اش باشد نه مسئله دیگر:

پس مرا دوست بدار
آن‌چنان که هستم
لحظه‌ای گریزپا
و بپذیر مرا آن‌چنان که هستم
و خود دریا باش
دور چون دریا
ژرف چون دریا
تا خویشتن را در تو فروبارم

(السمان، ۱۳۸۵ الف: ۴۶)

۷.۹ آرمان‌گرایی و دخالت در امور سیاسی

آغاز تاریخ سرزمین پارس به استقرار دولت هخامنشی به قرن ششم پیش از میلاد بازمی‌گردد. با توجه به اطلاعات اندکی که از زنان ایران پیش از اسلام در دست است به حضور فعالانه آنان در صحنه‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی پی می‌بریم: «مورخان یونانی چون پلوتارک (Plutarck) اعتقاد داشتند که زنان ایرانی در امور اجتماعی دخالت می‌کردند. در جنگ‌ها و نبردها شرکت داشتند» (ساناساریان، ۱۳۸۴: ۲۸).

با وقوع انقلاب مشروطه، بار دیگر حضور زنان در عرصه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی چشم‌گیر می‌شود، سطح سواد آنان بالا می‌رود، و میزان مطالعه آنان افزایش می‌یابد. حتی زنان، با فعالیت در انجمن‌ها و سازمان‌های مخفی، فعالیت‌های قهرآمیز و غیرقهرآمیزی را علیه قدرت‌های خارجی و در حمایت از انقلاب مشروطه سازمان‌دهی می‌کردند:

روزی، در جریان شکنجه و آزار مشروطه‌خواهان در یکی از محلات مرکزی تهران، یک ملای هوادار دربار در برابر جمعیت زیادی علیه مشروطه سخن می‌گفت. در این بین، زنی که تفنگی را در زیر چادرش مخفی کرده بود به او شلیک کرد و او را از پای درآورد. این زن بلافاصله توسط جمعیت کشته شد (ملک‌زاده، ۱۳۲۸: ۱۴۵).

از دیگر دخالت‌های سیاسی زنان می‌توان به لغو امتیاز تالوت اشاره کرد که زنان ایرانی دخالت مستقیمی در آن داشتند. زنان ایران در انقلاب ۱۳۵۷ نیز حضور بسیار چشم‌گیر و پویایی داشتند و پایه‌پای مردان در تظاهرات شرکت کردند. بعد از سال ۱۳۰۰ ش، دخالت زنان در سیاست و آرمان‌گرایی آنان به سه طریق خود را نشان داد: ۱. انتشار نشریات زنانه؛ ۲. شکل‌دهی سازمان‌های زنانه؛ و ۳. گشایش مدارس دخترانه.

جنبش زنان ایران در دهه ۱۳۰۰ ش، با هدف دگرگونی موقعیت زنان، هویت و تعهدی از خود بروز داد. زنان شجاع و روشن‌فکر ایرانی بر ضرورت تحصیل زنان و دختران تأکید و نشریات آن‌ها پیوسته بر اهمیت سوادآموزی زنان تکیه می‌کردند. حتی از زنان باسواد تقاضا می‌کردند به رایگان به زنان بی‌سواد خانواده و اقوام آموزش بدهند.

این زنان و هم‌تایان مردهایشان به شدت معتقد بودند که سوادآموزی و تحصیل دانش مسیر اصلی برای دستیابی به آزادی زنان است. همچنین، معتقد بودند که تحصیلات سبب می‌شود زنان از باورهای خرافی دست بردارند؛ زیرا تحصیل دانش به آنان توان و قدرتی می‌بخشد تا بتوانند از رسم و رسومات اجتماعی که فرودستی آنان را تثبیت می‌کند سرباز زنند (جمعیت نسوان وطن‌خواه: ۲۳-۲۴).

نکته مهم این است که زنان فعال مصری نیز همین الگوی ایدئولوژیک، یعنی تأکید فراوان بر سوادآموزی زنان، را در دهه ۱۳۰۰ ش دنبال می‌کردند و تأکید هر دو گروه، پس از حق تحصیل، بر تغییر قوانین ازدواج و پرداختن به بهداشت و پیش‌گیری از بیماری در میان مادران و کودکان بود.

دخالت زنان عرب در امور سیاسی نیز به دوران ابتدایی اسلام و حتی قبل از آن برمی‌گردد. در این میان، خدیجه (س) و فاطمه (س)، همسر و دختر رسول خدا (ص)، جایگاه ویژه‌ای داشتند. به‌راستی هردوی این عزیزان برای رسیدن به نظریات منطقی خویش پافشاری می‌کردند و پیامبر (ص) با احترام به این مسئله می‌نگریستند.

۱۰. کوشش در رفع سوء تفاهم‌ها در باب زن و مرد

اغلب اوقات روابط خانوادگی سرشار از برخورد و کشمکش است؛ چراکه فراموش کرده‌ایم زنان و مردان متفاوت از هم‌اند. اگر زنان و مردان تفاوت‌های هم‌دیگر را بپذیرند، به جای مقاومت در برابر یک‌دیگر و یا تلاش برای تغییر دادن افکار و رفتار همسر، به این نتیجه می‌رسند که همکاری متقابل و هم‌دلی بهترین شیوه ارتباطی برای یک زندگی موفق است.

رشد و بلوغ ذهنی زنان نه‌تنها برای نقش آنان در اجتماع ضروری است، بلکه علل گوناگون دیگری نیز دارد. نخستین و مهم‌ترین آن‌ها استقلال اقتصادی است. بلوغ ذهنی، افزون بر ارزش مادی، پیش‌نیاز برقراری رابطه عاشقانه زناشویی است؛ چراکه درک کردن دیگران از حیاتی‌ترین عناصر هر رابطه عاشقانه است. همچنین، رشد و تکامل ذهنی برای برقراری رابطه محبت‌آمیز با فرزندان نیز ضروری است.

زن امروز برای دستیابی به میدان اندیشه مورد نظر باید به کوشش‌های خود بیفزاید و در این مسیر آگاهانه و استوار قدم بردارد. باید از خود انسانی بسازد که پیش از آن‌که جسمیت داشته باشد، شخصیتی اندیشمند، مولد، و آفریننده باشد.

۱۱. نتیجه‌گیری

دست‌یافتن زنان به وجود واقعی و نیمه گمشده خود و کسب آزادی در هر دو جامعه ایران و عرب تقریباً هم‌زمان آغاز شده و به سرانجامی مشابه نیز ختم شده است.

مقدمات آزادی زنان برای نخستین بار در غرب پس از صنعتی شدن اروپا و انقلاب کبیر فرانسه، آرام‌آرام فراهم شد و بورژوازی انگلستان و فرانسه پای زنان را به کارخانه باز کرد تا زنان را با قیمت مناسب‌تری استثمار کند. به این ترتیب، دست‌یابی زنان به استقلال اقتصادی آنان را به سمت و سوی استقلال سیاسی سوق داد.

بنابراین، گرایش‌ها و رویکردهای زنانه در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، فلسفی، و

ادبی نتیجه دنیای مدرن پس از انقلاب صنعتی است. این گرایش‌ها بر اثر گسترش روابط فرهنگی بین جهان غرب و شرق به کشورهای ایران و عرب نیز رسید که در این‌باره می‌توان به کسب حق رأی زنان اشاره کرد. برای دستیابی به این اهداف، این حق نخست به زنان امریکایی و اروپایی اعطا شد و بعد از چند سال به جهان ایران و عرب رسید. در ۱۳۴۱ ش، زنان ایرانی و در ۱۹۵۶ م زنان مصری حق رأی یافتند. در ادامه مبارزه برای رسیدن به آزادی، اهداف ابتدایی زنان روشن‌فکر و گرایش‌های ادبی آنان در هر دو حوزه خاستگاهی مشترک یافت.

در دهه ۱۳۰۰ ش، جنبش زنان در ایران، با هدف دگرگونی زنان، هویت خود را نشان داد. زنان روشن‌فکر ایرانی ضرورت تحصیل زنان را گوش‌زد می‌کردند و در نشریاتی که چاپ و منتشر می‌کردند بر ضرورت تحصیل و اهمیت سوادآموزی تأکید می‌کردند. در مصر و سایر کشورهای عربی نیز همین رویه دنبال می‌شد. زنان فرهیخته عرب، در دهه ۱۳۰۰ ش، برای کسب حق تحصیل عمومی تلاش می‌کردند؛ زیرا اطمینان داشتند با سوادبودن لازمه رسیدن به حقوق برابر است.

از دیگر رویکردهایی که در هر دو ادبیات منعکس است، وجود مردان روشن‌فکر و مترقی در هر دو جامعه است. بی‌شک برای فعالیت اولیه زنان جسارت لازم بود و این مسئله را مردان آگاه مطرح کردند و نخستین جرعه‌های آزادی زنان را زدند.

از دیگر رویکردهای مشترک می‌توان گرایش‌های زنان را در آثار ادبی هر دو ملت بررسی کرد. بی‌تردید آثار ادبی، که بازتاب اندیشه‌ها و افکار افراد است، بهترین دستاورد برای دستیابی به مؤلفه‌های گوناگون است. در پایان، می‌توان نتیجه گرفت:

شروع جنبش‌های روشن‌فکرانه در هر دو حوزه تقریباً هم‌زمان بوده است. در هر دو ملت، نخست مردان مترقی و آزادی‌خواه برای رسیدن زنان به جایگاه واقعی‌شان تلاش کرده‌اند. آمدن زنان فرهیخته به صحنه مبارزه آرام اما مداوم بود. سرانجام، گرایش‌ها و رویکردهای ادبی در هر دو جامعه ایران و عرب، به‌ویژه در میان زنان نویسندگان و شاعران، همانند و یک‌سان بود.

پی‌نوشت

۱. شاعر معاصر سوری و از شاعران رمانتیک عرب که بعد از حمله اسرائیل به اعراب و اشغال

فلسطین، ناگهان تغییر رویه داد و به سرودن اشعار وطنی و انقلابی دربارهٔ انتفاضهٔ مردم فلسطین روی آورد.

۲. عنتره العبسی از شاعران بزرگ و از شجاعان و جنگاوران عرب جاهلی بود.

منابع

- بارتلمه، کریستیان (۱۳۴۴). *زن در حقوق ساسانی*، ترجمهٔ ناصرالدین صاحب‌الزمانی، تهران: عطائی.
- بوازار، مارسل (۱۳۶۲). *انسان‌دوستی در اسلام*، ترجمهٔ محمدحسن مهدوی اردبیلی و غلامحسین یوسفی، تهران: توس.
- بیانی، شیرین (۱۳۵۲). *زن در ایران عصر مغول*، تهران: دانشگاه تهران.
- جمعیت نسوان وطن‌خواه، ش ۱.
- حکیم‌پور، محمد (۱۳۸۲). *حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد*، تهران: نغمهٔ نواندیش.
- دورانت، ویل و آریل (۱۳۶۹). *تفسیرهای زندگی*، ترجمهٔ ابراهیم مشعری، تهران: نیلوفر.
- راوندی، مرتضی (۱۳۵۷). *تاریخ اجتماعی ایران*، ج ۳، تهران: امیرکبیر.
- روزبه، محمدرضا (۱۳۸۱). *ادبیات معاصر ایران*، تهران: روزگار.
- ساناساریان، الیز (۱۳۸۴). *جنبش حقوق زنان در ایران*، ترجمهٔ نوشین احمدی خراسانی، تهران: اختران.
- السعداوی، نوال (۱۳۵۹). *چهرهٔ عربیان زن عرب*، ترجمهٔ مجید فروتن و رحیم مرادی، تهران: زوار.
- السمان، غادة (۱۳۸۵ الف). *درینا کردن رنگین‌کمان*، ترجمهٔ عبدالحسین فرزاد، تهران: چشمه.
- السمان، غادة (۱۳۸۵ ب). *غم‌نامه‌ای برای یاسمن‌ها*، ترجمهٔ عبدالحسین فرزاد، تهران: چشمه.
- السمان، غادة (۱۳۸۶). *ابدیت، لحظهٔ عشق*، ترجمهٔ عبدالحسین فرزاد، تهران: چشمه.
- شتاویفا، بثاتریس (۱۹۹۲). «ادبیات زنان عرب»، *آرش*، ش ۶.
- شیخ‌الاسلامی، پری (۱۳۵۱). *زنان پیش‌رو و روزنامه‌نگار*، تهران: مازگرافیک.
- عاشور، رضوی (۱۳۸۶). «تجربهٔ نویسندگی من»، ترجمهٔ یاسمین احمدی، *سمرقند*، ش ۱۷.
- عباس، احسان (۱۳۸۴). *رویکردهای شعر معاصر*، ترجمهٔ حبیب‌الله عباسی، تهران: سخن.
- علوی، هدایت‌الله (۱۳۸۶). *زن در ایران باستان*، تهران: هیرمند.
- فرخزاد، فروغ (۱۳۸۳). *دیوان اشعار*، تهران: اهورا.
- فرزاد، عبدالحسین (۱۳۸۳). *رؤیا و کابوس: شعر پویای معاصر عرب*، تهران: مروارید.
- قانون، به کوشش و مقدمهٔ هما ناطق، ش ۱۵، چاپ لندن.
- قبانی، نزار (۱۳۶۳). *شعر، زن و انقلاب*، ترجمهٔ عبدالحسین فرزاد، تهران: امیرکبیر.
- کسروی، احمد (۱۳۵۵). *تاریخ هجده‌سالهٔ آذربایجان*، تهران: امیرکبیر.
- کوریک، جیمز آ. (۱۳۸۰). *رنسانس*، ترجمهٔ آریتا یاسایی، تهران: ققنوس.
- مرنیسی، فاطمه (۱۳۸۰). *زنان پرده‌نشین و نخبگان جوشن‌پوش*، ترجمهٔ ملیحه مغازه‌ای، تهران: نشر نی.

ملک‌زاده، مهدی (۱۳۲۸). *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، تهران: ابن سینا.
میرعابدینی، حسن (۱۳۷۷). *صد سال داستان‌نویسی ایران*، ج ۳ و ۴، تهران: چشمه.

منابع دیگر

- آجودانی، ماشاءالله (۱۳۸۲). *مشروطه ایرانی*، تهران: اختران.
آرین‌پور، یحیی (۱۳۷۴). *از نیما تا روزگار ما*، ج ۳، تهران: زوار.
آرین‌پور، یحیی (۱۳۷۷). *از صبا تا نیما*، ج ۲، تهران: زوار.
اشتن، تامس ساوتکلیف (۱۳۷۵). *انقلاب صنعتی*، ترجمه احمد تدین، تهران: علمی و فرهنگی.
اکبری بیرق، حسن (۱۳۷۹). *مبانی فکری ادبیات مشروطه*، تهران: پایا.
بامداد، بدرالملوک (۱۳۴۸). *زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا انقلاب سفید*، ج ۱، تهران: ابن سینا.
پارسی‌پور، شهرنوش (۱۳۷۸). *طوبی و معنای شب*، تهران: البرز.
حاج سیدجوادی، حسن (۱۳۸۲). *بررسی و تحقیق در ادبیات معاصر ایران*، تهران: گروه پژوهش‌گران ایران.
حاکمی، اسماعیل (۱۳۷۳). *ادبیات معاصر ایران*، تهران: اساطیر.
دو بووونار، سیمون (۱۳۶۰). *جنس دوم*، ترجمه قاسم صنعوی، ج ۲، تهران: توس.
قاسم‌زاده، محمد (۱۳۸۳). *داستان‌نویسان معاصر ایران: گزیده و نقد هفتاد سال داستان‌نویسی معاصر ایران*، تهران: هیرمند.
منجم، رؤیا (۱۳۸۳). *زن - مادر، نگاهی متفاوت به مسئله زن*، تهران: مس.
ناهید، عبدالحسین (۱۳۶۰). *زنان ایران در جنبش مشروطه*، تبریز: احیاء.

Gourhan, A. L. Eroi (1978). 'Les Signes Geometriques Dans l'art Paleolithique France-Espagne', *Lecourrier du CNRS* 27.

Shaukat Ali, Parveen (1973). *Status of Women in the Muslim World: A Study in the Feminist Movements in Turkey, Egypt, Iran and Pakistan*, Lahore: Aziz.

Woodsmall, Ruth Frances (1936). *Moslem Women Enter a New World*, London: Gerge Allem & Unwin.